هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



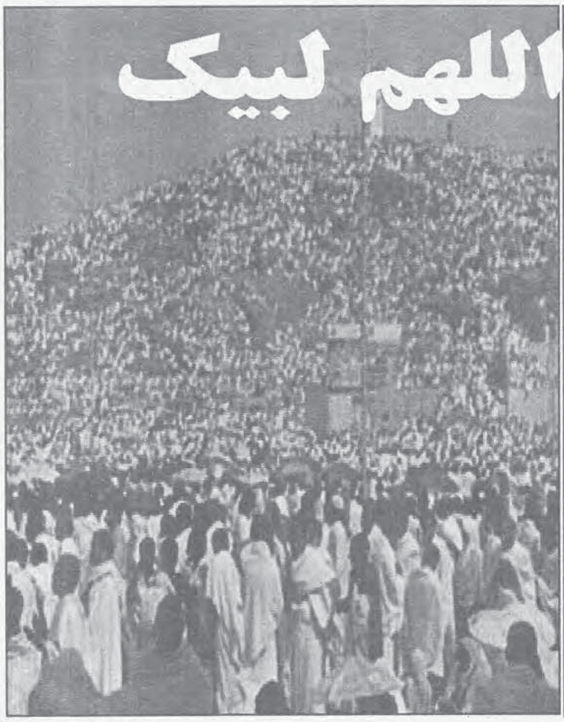
توصیهٔ من به شما این است که:

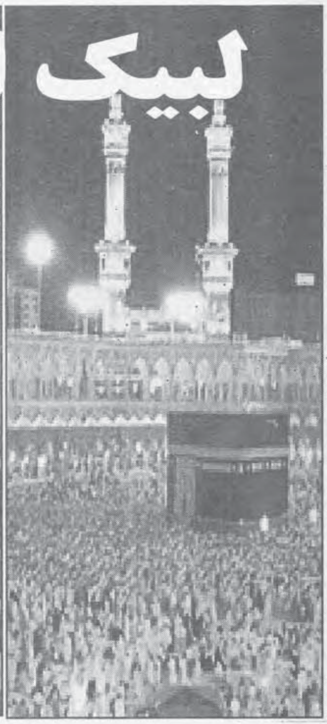
در رهبری و هدایت مردم، در وحدت و یکپارچگی مردم و در توصیهٔ مردم به اتحاد و اتفاق سهم موثر بگیرید.

از فرموده های شهید صلح

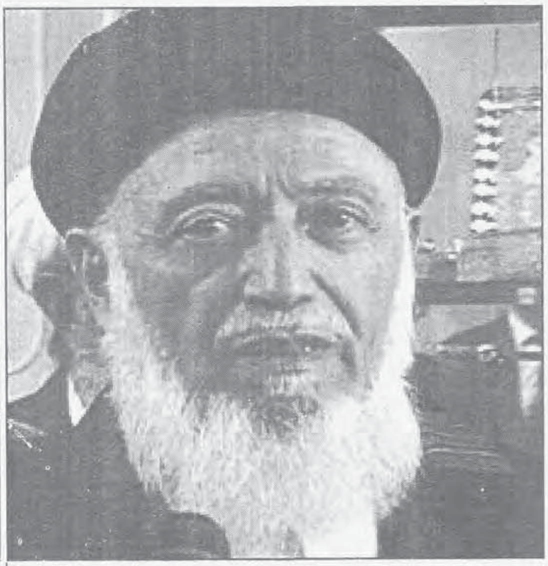
دور ششم – سال دهم – شمارهٔ بیست و ششم ۱۱ عقرب ۱۳۹۰ ۶ ذوالحجه ۱۴۳۲ - 2 Nov 2011

لبیک اللهم لبیک





گفته ها و ناگفته های حادثهٔ شهادت استاد برهان الدین ربانی



استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان که ریاست شورای عالی صلح را به دوش داشت به روز سه شنبه ۲۹ سنبلهٔ ۱۳۹۰(بیستم سپتمبر ۲۰۱۱) با حملهٔ انتحاری در منزلش به شهادت رسید. انتحار کننده، قاصد صلح از سوی تحریک اسلامی طالبان بود که با پیام صلح در نقش قاتل صلح نمودار شد.

ترور و شهادت استاد ربانی از رهبران مجاهدین و نهضت اسلامی افغانستان توسط طالبان که خود را گروه اسلامی و مجری شریعت تلقی می کنند حادثهٔ بسیار مهم و قابل تأمل است. من که با شهید استاد ربانی به عنوان عضو جمعیت اسلامی افغانستان از نزدیک شناخت داشتم و در سه ماه اخیر دو بار با ایشان به تفصیل از جمله در مورد شورای صلح به بحث و گفتگو پرداختم در این مقاله زوایای پیدا و پنهان شهادت ایشان را به بررسی می گیرم.

از تحلیل در مورد شورای صلح تا بیان دیدگاه رئیس فقید این شورا بر سر نقش و اهمیت آن برای صلح و پاسخ این پرسش که کلید صلح افغانستان در دست کیست؟ از انگیزه ها و دلبستگی استاد ربانی به ریاست شورای صلح تا سرخوردگی و نامیدی وی در مصالحه با طالبان.

مجری برنامهٔ ترور استاد ربانی که بود؟

برنامهٔ ترور چگونه و در کجا شکل گرفت و چگونه به اجرا درآمد؟

در این مقاله به پرسش های بالا پاسخ ارائه می شود و در پایان ابعاد شخصیت استاد ربانی به عنوان چهرهٔ شاخص سیاسی و اجتماعی سه دههٔ اخیر افغانستان نیز با نگاه کوتاه مورد ارزیابی قرار می گیرد. ص۴

پیام صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت فرارسیدن عید سعید اضحی



فرارسیدن ایام خجسته و پرمیمنت عید سعید اضحی را به ملت مجاهد و مسلمان افغانستان و کافه امت اسلامی تبریک و تهنیت عرض می دارم، امیدوارم که طاعات و عبادات همه را خداوند متعال مورد قبول درگاه احدیتش قرار دهد.

ضمن یاد آوری از رکن مهم فریضهٔ اسلامی حج بیت الله الحرام که در واقع نمادی از عظمت اسلام وکنگرهٔ بزرگی در میان امت اسلامی محسوب می شود، دعا می نمایم تا نیایش، قربانی ها و اعمال نیک همه آنانی که درین فریضهٔ الهی شرکت ورزیدند و خاصتا نیایش، قربانی ها و عبادات آنعده از هموطنان متدین و خدا پرست کشور عزیزمان افغانستان را مورد قبول درگاهش قرار داده، و از برکت این رکن اساسی اسلام عزیز ملت مظلوم و مسلمان افغانستان را که در گرداب بحران ها و مشکلات قرار دارند، نجات دهد.

جای تأسف و تألم است درشرایط کنونی که جهان اسلام و جهان بشریت سخت نیازمند داعیان راستین و شخصیتهای بارز اسلامی می باشد، دشمنان از آستین به ظاهر اسلام بیرون می شوند و فقط رهبران فکری و مغزهای متفکر امت اسلامی، مسلمانان متقی و سرداران رشید اسلام را که عمری در راه نجات امت اسلامی گامهای موثری برداشتند و هدف شان جز خدمت به مسلمانان نمی باشد، آماج حملات ظالمانه و بزدلانه قرار می دهند . ص۲

در جلسهٔ برخی کادرهای جمعیت در تعقیب و زنده نگهداشتن آرمان های استاد شهید تأکید شد ۲

سیمای قذافی از زاویهٔ دیگر ۶

آخرین سخنرانی و مصاحبهٔ شهید صلح ۳

کنفرانس استانبول و تناقض در سیاست ها ۲

«مجاهد» عید سعید اضحی، عید ایثار و فداکاری را به عموم ملت متدین کشور تبریک می گوید

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸٤۰۸٦۳۵ / ۰۷۷۲۰۳٦٤۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

در جلسهٔ برخی کادرهای جمعیت در تعقیب و زنده نگهداشتن آرمان های استاد شهید تأکید شد

هفتهٔ گذشته، در نشستی که برخی کادرهای جمعیت اسلامی افغانستان با حضور جناب صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی داشتند روی بهبود امور مربوط به حزب جمعیت، راه اندازی مجمع عمومی، پیگیری پروندهٔ شهادت رهبر فقید و شهید استاد برهان الدین ربانی، ایجاد کمیسیون بررسی پروندهٔ ترور رهبر بزرگ از سوی جمعیت، طرح دیزاین مقبرهٔ شهید صلح مطابق شریعت و موضوعات مهم دیگر بحث صورت گرفت.

نخست بعد از تلاوت آیاتی از قرآن کریم، صلاح الدین ربانی ملاقات هایی که با رئیس جمهور آقای کرزی و هیلاری کلنتون وزیر خارجهٔ امریکا در کابل داشت، اعضای مجلس را در جریان قرار داد. آقای صلاح الدین ربانی در دیداری که با رئیس جمهور داشت، آقای کرزی در بارهٔ پیگیری پروندهٔ شهادت استاد شهید وعده سپرده است که با قاطعیت آن را دنبال می نماید و قرار است هیأتی در این زمینه به پاکستان برود، در صورت عدم توجه آن کشور، موضوع را در کنفرانس استانبول با رئیس جمهور پاکستان در میان می گذارد و تعهدش را می گیرد. به گفتهٔ آقای کرزی، در صورتی که این تلاش ها نتیجه ندهد باز در مورد تصمیم خواهد گرفت که قضیه را بین المللی بسازد یاخیر!

همچنان آقای صلاح الدین ربانی در دیداری که با وزیر خارجهٔ امریکا در کابل داشت، هیلاری کلنتن شهادت استاد فقید را تسلیت عرض نموده و از کارکردهای استاد به نکویی یاد کرده است. خانم کلنتن تأکید کرده است که باید روند صلح در افغانستان ادامه یابد زیرا از طریق نظامی این کشور راه حل ندارد.

آقای صلاح الدین ربانی در ارتباط ادامهٔ کار جمعیت اسلامی، به ادامهٔ خط رهبر فقید جمعیت تأکید کرد.

جهت پیگیری پروندهٔ ترور استاد فقید و شهید کمیسیونی از جانب دولت تعیین گردیده که قضیه را پیگیری نماید اما جهت روشن شدن هرچه بهتر و در جریان قرار گرفتن اعضای جمعیت، کمیسیونی تحت سرپرستی داکتر فضل الله مجددی توظیف گردید تا با کمیسیون دولتی در ارتباط بوده و موضوع را جدی پیگیری نمایند.

در ارتباط برگزاری مجمع عمومی (کنگره) قرار شد تا آقای صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی با رئیس و اعضای یکصدو یک نفری تدارکات مجمع عمومی که از جانب استاد فقید و شهید تعیین گردیده بود، در آیندهٔ نزدیک دیدار داشته باشد و با ارائهٔ نظریات ایشان روی تدویر و زمان برگزاری مجمع عمومی جمعیت صحبت نمایند.

جمعیت اسلامی افغانستان از جمله احزاب مقتدر و سابقه دار در کشور است که در برابر دو تجاوزگر عصر، یکی اتحاد شوروی سابق و دومی تروریزم، رهبری مبارزه را به دست داشته، ایثارگرانه در دفاع از تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و ارزش های کشور دفاع نموده و بهترین فرزندان این مرزوبوم در این راه جان های شیرین شان را نثار کرده اند. که رهبر بزرگ، رئیس شورای عالی صلح، رهبر جهاد و مقاومت، رهبر جمعیت اسلامی افغانستان، و سپه سالار جهاد مردم مسلمان افغانستان، قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود نیز شکار تروریزم شده، به کاروان شهداء پیوستند. که روح شان را شاد و راه شان را پررهرو می خواهیم.

در جلسه توافق شد تا خطی که به دست رهبر بزرگ، استاد فقید ترسیم گردیده در تعقیب و زنده نگهداشتن آن از هیچگونه سعی و تلاش دریغ نورزند.

کنفرانس استانبول و تناقض در سیاست ها

◆ وحید مژده

قرار است کنفرانس استانبول برای افغانستان در ۲ نوامبر سال روان در کشور ترکیه دایر گردد. سخنگوی وزارت امور خارجه در مورد این کنفرانس گفت که هدف اساسی این کنفرانس بهبود تقویت وهمکاری میان کشورهای قلب آسیا جهت دستیابی به فضای اعتماد و امنیت پایدار در این منطقه می باشد.

کشورهای قلب آسیا اصطلاحی است که باید به عنوان یک کشف جدید وزارت خارجهٔ افغانستان به ثبت برسد. تاکنون افغانستان به خاطر موقعیت جغرافیائی اش قلب آسیا می خوانند اما اطلاق این صفت به مجموعه ای از کشورها تازگی دارد.

نشست های مقدماتی برای این کنفرانس صورت گرفته است نشست اول به تاریخ ۱۷ میزان در شهر کابل و ۳۰ سپتامبر در اسلو پایتخت ناروی دایر گردید.

کشورهای اشتراک کننده در کنفرانس استانبول کشورهای افغانستان، چین، هند، ایران، قزاقستان، قرغزستان، پاکستان، روسیه، عربستان سعودی، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و امارات متحدهٔ عرب می باشد که کشورهای فرانسه، آلمان، ایتالیا، جاپان، ناروی، هسپانیا، سویدن، بریتانیا، ایالات متحدهٔ امریکا، اتحادیهٔ اروپا و ملل متحد ناظران این کنفرانس می باشند.

تقویت امنیت و به میان آوردن فضای اعتمادسازی در منطقه از اهداف این کنفرانس خوانده شده است. دولت افغانستان مدعی است که توقع متفاوتی از کنفرانس استانبول دارد و می خواهد این کنفرانس یک نشست نمایشی نبوده بلکه تصامیم و فیصله هایی که گرفته می شود، عملی گردد که به قول سخنگوی وزارت خارجهٔ افغانستان، تا در نتیجه ما بتوانیم به اقداماتی دست یابیم که در تحقق اهداف تامین امنیت، تامین صلح و ثبات و فضای اعتماد سازی را در سراسر منطقه عملی نمائیم.

این حقیقت بر کسی پوشیده نیست که تلاش های خارجی برای تامین امنیت در افغانستان از راه توسل به نیروی نظامی به شکست مواجه گردیده است. راهی که می تواند ما را در جهت رسیدن به صلح کمک نموده و منطقهٔ پر آشوب ما را به سوی ثبات رهنمون گردد، تقویت همگرائی های منطقوی است. اما مشکل بزرگ بر سر راه این هدف، نبود روحیهٔ اعتماد در میان کشورهای منطقه است.

در معادلهٔ امنیت منطقوی از پاکستان به عنوان کشوری ناسازگار نام برده می شود؛ کشوری که در مخالفت با هندوستان، حاضر نیست تا از حمایت مخالفین مسلح دولت افغانستان دست بردارد. سفر اوباما به هندوستان و حمایت امریکا از هند به عنوان یک قدرت بزرگ منطقوی، در پاکستان به روحیهٔ ضد امریکائی، نیروی تازه ای بخشید. پاکستانی ها به این باور اند که همکاری ده سالهٔ آنان در مبارزه علیه تروریسم با امریکا برای آنان مصیبت های بزرگی به بار آورده درحالی که آنها انتظار به دست آوردن کمک های فراوان از امریکا را در نتیجهٔ این همکاری داشتند. پاکستانی ها امضای قرارداد استراتژیک افغانستان با هند را نیز ناشی از تشویق امریکا دانستند.

در سفر اخیر خانم کلنتن وزیر خارجهٔ امریکا به منطقه، بار دیگر از پاکستان به عنوان کشوری که تمایلی به امر تامین صلح و ثبات در منطقه ندارد نام برده شد و از این کشور تقاضا به عمل آمد تا در جهت نابودی مراکز جنگجویان در خاک خویش دست به اقدامات جدی بزند.

سیاست های حکومت افغانستان نیز در رابطه به همگرائی های منطقوی دچار تناقض است. درحالی که حکومت افغانستان آرزو دارد تا کنفرانس استانبول زمینه ساز همگرائی های عملی میان کشورهای منطقه باشد، در عین زمان قصد دارد تا با تدویر لویه جرگهٔ عنعنوی برای حضور طولانی مدت نیروهای امریکائی در افغانستان مشروعیت کاذب دست ویا کند.

این درحالیست که کشورهای همسایه و منطقه که روی اوضاع افغانستان تاثیرگذار اند و در طول سال های گذشته مداخلات آنان به عنوان مانع اصلی بر سر راه صلح و ثبات در افغانستان دانسته شده است، با این حضور مخالفت خود را آشکار کرده اند.

اگر حکومت افغانستان به هر دلیلی به نیروهای خارجی اجازهٔ حضور در خاک این کشور را بعد از سال ۲۰۱۴ بدهد، کشورهای که از قبل در مورد اهداف و مقاصد امریکا در این منطقه از جهان به شدت نگران اند، هرگز به همگرائی منطقوی راضی نخواهند شد.

بنابراین حکومت افغانستان با دو اجندای متناقض به کنفرانس استانبول می رود؛ از یکطرف می خواهد نیروهای امریکائی در افغانستان باقی بمانند و از جانب دیگر امیدوار است تا کنفرانس استانبول زمینه را برای همگرائی منطقوی فراهم آورد.

هرچند حکومت افغانستان تلاش دارد تا مخالفت با حضور نیروهای امریکائی بعد از سال ۲۰۱۴ را ناشی از بدنیتی کشورهای همسایهٔ افغانستان قلمداد نماید اما در عمل این تنها همسایه ها نیستند که با این حضور مخالف اند. نمایندهٔ روسیه در پیمان ناتو از امریکا خواست تا نیروهایش را از افغانستان خارج سازد.

"دیمتری راگوزین" اعلام داشت که افغانستان باید از مداخلهٔ خارجی در امور داخلی خود آزاد گردد. وی با انتقاد شدید از آغاز بحث ها برای تداوم حضور نیروهای امریکائی در افغانستان، آنرا ناشی از اهداف درازمدت امریکا در این منطقه دانست. وی گفت که روسیه هیچگاه با تداوم حضور نیروهای ناتو و امریکا در افغانستان موافقت نمی کند و این کشور باید عاری از نیروهای خارجی باشد.

با چنین تناقضی که در سیاست های حکومت افغانستان وجود دارد آیا می توان توقع داشت تا کنفرانس استانبول آنگونه که سخنگوی وزارت خارجهٔ افغانستان می گوید به روحیهٔ اعتماد میان کشورهای منطقه کمک کند و "متفاوت" از کنفرانس های گذشته باشد؟

پیام صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت فرارسیدن عید سعید اضحی

ادامه از صفحهٔ اول

شهادت شخصیت متفکر، عالم مجاهد و اندیشمند شهیر جهان اسلام، شهید پروفیسور برهان الدین ربانی، بزرگترین قربان، ایثار و ازخود گذری در راه خداست. رهروان راستین آن راد مرد تاریخ معاصر امت اسلامی با پیمودن راه مبارزات برحق راه جهاد و راه صلح را در تبانی با هدایات گهربار آن راست قامت تاریخ، مردانه وار ادامه می دهند.

در فرهنگ اصیل اسلام آنچه که تسجیل شده تغییر ناپذیر است که از آنجمله یکی هم صلح و سلم است که به خاطر تحقق آن در جامعهٔ انسانی وجیبه و رسالت بخشی از انسان های مومن و متعهد است که در تبانی با هدایات گهربار آسمانی این راه را دوام می دهند و این سنت تغییر ناپذیر الهی است که قرآن کریم می فرماید: فلن تجد لسنه الله تبدیلا .

در روشنی همین ارشادات الهی بود که استاد شهید از آغاز مبارزات شان صلح را به عنوان راه اساسی در زندگی مسلمانان و بشریت می دانست و راه صلح را راه برگزیدهٔ راهیان توحید و علمبرداران استقلال و آزادیخواهی عنوان می نمود.

راه صلح، راه برگزیدهٔ رهروان راه حق است و نمی توان با ایجاد فتنه ها و دسیسه های شیطانی، این راه راست و درست را به کژ راهه مبدل کرد.

امروز همه بشریت به صلح و زندگی مسالمت آمیز نیازمندی دارند، بناءً همهٔ ما و مردم متدین مان به صلح نیاز مبرم داریم و همهٔ مان رسالتمندانه باید تلاش نماییم تا رضای خدا را در تأمین صلح و آشتی به دست بیاوریم و تمام موانع را از مسیر راه کسانی برداریم که علاقمند به صلح و آشتی اند و به این وسیله تمام فتنه ها و کارشکنی های جنگ طلبان و دشمنان صلح را خنثی و رسوا سازیم.

در اخیر یک بار دیگر فرارسیدن عید سعید اضحی را که سنت ابراهیم خلیل و پسرشان اسماعیل ذبیح است به همه مسلمانان مبارکباد می گوییم و برای همه مسلمانان و ابنای بشر، زندگی در سایهٔ رحمت بی منتهای الهی را آرزو دارم.

صلاح الدین ربانی
سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان

آخرین سخنرانی و مصاحبهٔ شهید صلح

رهبر شهید:

مرکز بیداری در جهان اسلام، مراکز دینی است

رهبر شهید استاد برهان الدین ربانی، سه روز پیش از شهادت شان (صبح شنبه ۲۶ سنبلهٔ ۱۳۹۰ خورشیدی) در اجلاس بیداری اسلامی در تهران سخنرانی نمودند که فرازهای آن را با صحبت کوتاهی که به تاریخ (۲۷ سنبله) در حاشیهٔ این اجلاس، با خبرنگار پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب ایران داشتند، خدمت خوانندگان تقدیم می گردد.

(اداره)

• شاید پیش از این خیزش ها در برخی کشورهای عربی اسلامی، جمع شدن نهضت های اسلامی مشکلاتی داشت، اما امروز این مشکلات کم شده است و از آقای ولایتی (دبیر) می خواهیم دبیرخانه و ارتباطی مشورتی در باره مسائل اسلامی را شکل دهد.

• این مبارزات قهرمانانه در مسیر حرکت های اسلامی مهم است و نیز حرکت حزب الله لبنان را می توان یاد کرد که در مسیر این بیداری ها بی تاثیر نبوده است.

***

خبرنگار: رهبر انقلاب اسلامی ایران در موقعیت‌های مختلف، سخنان بسیاری دربارهٔ بیداری اسلامی بیان کرده‌اند. با توجه به خلأهایی که در جهان اسلام وجود دارد، به نظر شما این سخنان چه تأثیری بر جهان اسلام و برکشورهای مختلف گذاشته است؟

استاد شهید: شکی نیست که اولاً از نوشته‌ها و صحبت های مقام معظم رهبری دربارهٔ بیداری اسلامی، به‌ویژه در کشورهایی استقبال زیادی می‌شود که نوعی هم زبانی و اشتراک زبانی دارند. البته کشورهای عربی وضعیت دیگری دارند. این سخنان در برخی کشورهای عربی به خاطر حکومت ها و نظام های حاکم بر آنها کمتر انعکاس خواهد داشت، اما به طور کلی موضع‌گیری ها و سیاست های جمهوری اسلامی ایران در قضایای بیداری اسلامی برای نسل جوان جذاب بوده است. لذا دائماً صحبت های ایشان را دنبال می‌کنند و از آن اثر می پذیرند.

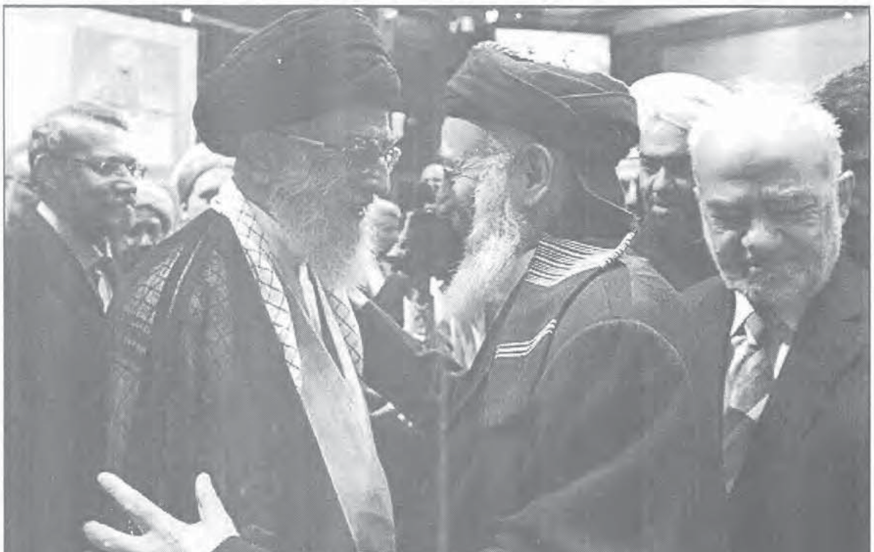
شما می‌بینید که خیزش‌هایی در جهان اسلام و به خصوص در دنیای عرب صورت گرفته است و این آغاز یک مرحله‌ی جدید است. دیدگاه های ایشان نیز در مسائل فکری و اعتقادی و هم در مسائل سیاسی و بین‌المللی فضا را بسیار تغییر داده است.

اما موضع‌گیری‌ها و سخنان مقام معظم رهبری در قبال استکبار جهانی و صهیونیست ها راه خود را در بین نسل جوان باز کرده است؛ اگرچه فکر می‌کنم که هنوز هم جا برای کار وجود دارد تا گروه های مختلف دیگر و مخصوصاً در جهان اسلام و عرب، آشنایی بیشتری با افکار و دیدگاه های ایشان پیدا کنند. ناگفته نماند که یک جریان تبلیغات غرض ورزانه و دشمنانه‌ی مذهبی و فرقه‌ای علیه ایشان وجود دارد و این هدف را دنبال می‌کند که اکثر دیدگاه های ایشان در مسائل مختلف روشن نشود. لذا با درنظرداشتن وضعیت فعلی، نیاز به روشنگری بیشتر و تبلیغات جدید و جدی وجود دارد تا مسلمانان و به‌ویژه جوانان جهان عرب بفهمند که پیوند عمیقی میان خواسته های آنها و پیشینهٔ تاریخی انقلاب اسلامی ایران برقرار است. ما امیدواریم إن‌شاءالله و با گذشت روزها، تحولات جدیدی بین نسل جوان عرب شکل بگیرد.

خبرنگار: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر این نکته تأکید داشته‌اند که مردم باید در این تحولات جدید مراقب باشند تا استعمار با چهره‌ای جدید و لباسی مزورانه وارد نشود. اکنون این نیازِ هست که یک الگوی مناسب از حکومت اسلامی تعریف و تبیین گردد. ضمن این‌که ایشان تأکید دارند که باید تفاوت بین دموکراسی غربی و دموکراسی لیبرالی و مردم سالاری دینی ایجاد شود. فکر می کنید در فضای جهان اسلام چقدر این نیاز را حس می کنند و می‌توانند این پیشنهاد و تجربهٔ جمهوری اسلامی را به کار ببندند؟

استاد شهید: اکنون ما در موقعیتی هستیم که سکولاریسم و لیبرال‌دموکراسی شکست خورده است و دیگر در تمام دنیا و به خصوص در دنیای اسلام و جهان عرب جذابیتی ندارد. در بحث الگو اما، این «مردم‌سالاری دینی» که مدنظر است، باید بیشتر تبیین گردد و توضیح داده شود. همه باید بفهمند که در این‌جا چه می‌گذرد، زیرا این احتمال وجود دارد که در فضای غبارآلود تبلیغاتی، بسیاری از حقایق روشن نشود. البته به هر حال پذیرش و تقاضا برای الگوی مردم‌سالاری دینی که در جمهوری اسلامی وجود دارد، زیاد خواهد شد و این غبارهای تبلیغاتی زودگذر است.

اما هنوز نیز پس از این خیزش‌ها، جهان اسلام و عرب در یک مرحلهٔ گذرا قرار دارد؛ مرحله ای که آثار و مخلفات گذشته را سپری کرده و نیاز به گذشت زمان دارد. لذا کار و تبلیغات بیشتری ضرورت دارد و نیز نیاز به تأکید بر پیوندهای عمیقی وجود دارد. ما امیدواریم این مطالبی که مقام معظم رهبری به آنها اشاره کردند، به زودی تحقق یابد.



رهبر فقید و شهید استاد ربانی با حضرت آیت الله خامنه یی رهبر انقلاب اسلامی ایران، در حاشیهٔ اجلاس بیداری اسلامی در تهران

• استاد شهید، جنبش های اسلامی را رستاخیز کنونی خوانده گفته است: این رویای خوش امروز به لطف الهی به واقعیت عملی تبدیل شده و به عنوان یکی از موهبت های بزرگ الهی، در برابر دیدگان دوست و دشمن ، پیام خوشبختی را برای امت اسلامی مژده آورده است.

• این انقلاب ها، لطف و موهبت الهی است، در بارهٔ انگیزه این خیزش ها و قیام ها، مردم مسلمان نظرهای مختلفی وجود دارد.

• در تونس که حتی زمامدار مستبد آن، بدون کارت دولتی نمی گذاشت کسی به نماز برود، برخی این را به تعبیر خود، جنبشی برای جامعه مدنی و محصول اطلاعات جمعی می دانند.

• شاید تا جایی عوامل اقتصادی در این انقلاب ها تاثیر داشته باشند، اما در جامعه اسلامی شهداء و قربانیان به دلیل مسایل دینی، اعتقادی و ایمانی جان خود را فدا می کنند. این قیام ها به سادگی به پیروزی نرسیده است.

• تدین و دینداری و قیام در برابر الحاد و کفر و بی دینی، فساد و استبداد و زشتی ها از محورهای دین اسلام است.

• اولین پیام الهی به پیامبر(ص) در سوره احزاب، دعوتگری، بیدارگری و نظارتگری است؛ چنانچه مبنای این قیام ها نیز مبارزه با ظلم و ظلم ستیزی است که از اصول دین مبین اسلام محسوب می شود.

• از دیگر مبانی قیام های اسلامی کنونی اصل حریت در اسلام است که آن نیز از موهبت های الهی است.

• انقلاب اسلامی ایران را رهبری مذهبی به پیروزی رساند. در راس قیام های اسلامی موفق، کسانی قرار داشتند که از مراکز دینی فارغ التحصیل شده اند.

• جنبش های بزرگ کشورهای اسلامی در حال پیروزی هستند، اما شاید توطئه های زیادی در مسیر آنان باشد.

• در برخی کشورها از جمله افغانستان و پاکستان کسانی به نام مسلمان، مسلمان کشی می کنند، تقاضای ما از این مجمع بزرگ این است که علمای امت در باره این پدیدهٔ جدید موضع روشن بگیرند.

گفته ها و ناگفته های حادثهٔ شهادت استاد برهان الدین ربانی

محمد اکرام اندیشمند



ادامه از صفحهٔ اول

شورای عالی صلح؛ راهکار نامناسب و غیرشفاف:

تشکیل شورای عالی صلح برای پایان دادن به جنگی که بازی استخباراتی شمرده می شود و بازی گر اصلی آن را استخبارات نظامی پاکستان تشکیل می دهد، یک راهکار نادرست، ناروشن و اغواگرانه بود. حتا کسانی که این شورا را ایجاد کردند به این امر ملتفت بودند؛ چه دولت افغانستان و رهبری آن در داخل و چه کشورها و حلقه های خارجی پشتیبان این دولت در بیرون. ناکارآیی و عدم مؤثریت شورای عالی صلح از دید امریکایی ها که بار اصلی جنگ را در برابر طالبان و القاعده بدوش می کشند نیز پنهان نبود. هر چند امریکایی ها با اعطای صد میلیون دالر در جهت پیشبرد برنامهٔ صلح دلچسپی و حمایت خود را از پروسهٔ صلح نشان دادند؛ اما این کار از لحاظ تبلیغاتی برای آنها مهم بود که صلح خواهی خود را به گوش افکار عمومی در امریکا و جهان برسانند. در حالی که هیچ تناسب میان هزاران میلیون دالر هزینهٔ امریکایی ها برای جنگ و صد میلیون دالر اعانهٔ آنها در واقع به صندوق صلح وجود نداشت.

ترکیب شورای صلح متشکل از افراد مختلف با سابقهٔ عضویت در تنظیم های متعدد جهادی و حتا از اعضای طالبان و طرفداران آنها در داخل دولت نمودار بازی های پنهان به صورت غیر شفاف در مورد صلح بود. روش کار در شورای صلح توأم با تشتت و بی برنامگی حکایتِ دیگر از عدم شفافیت و نبودِ صداقت این پروژه و پروسه در راستای صلح داشت. هرکس برای گرفتن امتیاز یا گویا جایزه ای در صدد آن شد که طالبی را جذب این پروسه کند و از امریکایی ها و دولت افغانستان پول و مقام بگیرد. بسیاری از افرادی که در شورا با طالبان سابقه و رابطه داشتند در صدد تماس با طالبان و جذب آنها به پروسهٔ صلح برآمدند. صد میلیون دالر برای بسیاری از آدم های این شورا که در سال های پیشین به تصاحب پول های باد آوردهٔ استخبارات دنیا در جنگ علیه نیروهای شوروی در افغانستان و حکومت مورد حمایت آن عادت کرده بودند یک صید پر جاذبه و یک کیک با مزه می نمود. ایجاد رابطه با طالبان توسط حکومت رئیس جمهور کرزی و خارجی های درگیر در افغانستان از دست ها و راه های مختلف بدور از آگاهی شورای عالی صلح به خصوص بدور از اطلاع رئیس آن شورا بخشی دیگر از عدم شفافیت در این مورد بود. در حالی که شورای عالی صلح غرض رابطه و مذاکره با طالبان ایجاد شد اما افراد و شبکه های مختلف به نمایندگی از ارگ ریاست جمهوری با طالبان تماس داشتند. این در حالی بود که خارجی ها به خصوص امریکایی ها و انگلیس ها نیز طالبان خود را در درون شبکه های طالبان داشتند.

دیدگاه و دلبستگی استاد ربانی در مورد شورای صلح:

این نکته قابل پرسش و بحث است که چرا استاد برهان الدین ربانی ریاست شورای عالی صلح را با توجه به عدم شفافیت این شورا و عدم مؤثریت آن در مورد صلح بدوش گرفت؟ او که ریاست شورای صلح را پذیرفت تا با طالبان مصالحه کند تا چه حد به کارآیی این شورا در مورد صلح باور داشت؟ آیا او واقعاً به این شورا دل بسته و امیدوار بود که صلح را از این طریق می توان تأمین کرد و طالبان را از جنگ منصرف ساخت؟ در حالی که استاد ربانی منتقدین بسیاری در میان همراهان و هواداران خود در درون و بیرون جمعیت اسلامی افغانستان و در میان مخالفان سیاسی حکومت کرزی و مخالفان طالبان داشت که چرا ریاست شورای صلح را که یک مجمع نمایشی، غیر شفاف و دولتی است پذیرفت؟ این پرسش را زمانی در جون ۲۰۱۱ در منزلش با وی مطرح کردم و در این مورد با ایشان بحث و گفتگوی مفصلی داشتم. بسیار لازم است که نکات مهم آن بحث را در این مقاله بیاورم. زمانی بود که یک روز قبل نخست وزیر پاکستان، رئیس آی.اس.آی و لوی درستیز یا رئیس ستاد مشترک ارتش پاکستان کابل آمده بود.

استاد ربانی نخست منتقدین خود را در این مورد ملامت کرد که آنها جز احساسات چیزی ندارند. اگر امروز شورای صلح را کار دولت و پروگرام حامد کرزی عنوان می کنند که نه برای صلح بلکه برای بقا و استحکام پایه های حکومتش تنظیم شده است، اما دیروز همه چیز را در پای بقا و استحکام حکومت او ریختند و قربانی کردند. برای کار مؤثر در افغانستان دید ملی، برنامهٔ بلند مدت و پایدار ملی و رابطهٔ گسترده با دنیای بیرون ضرورت است. دل بستن به منفعت زودگذر و بدور از آینده نگری در یک چهارچوب بسیار تنگ و محدود و نشست و برخاست با یک عضو پایین رتبهٔ استخبارات غربی آن نیازمندی را در جهت منافع ملی ما برآورده نمی کند. دوستان ما بیشتر این خطای سیاسی را انجام می دهند و پیوسته درگیر این خبط می شوند.

وقتی از استاد پرسیدم که آیا شورای صلح یک مجمع و تشکیل واقعی و درست در جهت مصالحه با طالبان و پایان دادن به جنگ افغانستان است؟ او در پاسخ به این پرسش اظهار داشت که شورای صلح آنگونه که در بیرون از آن تصویری ارائه می شود تا یگانه راه رسیدن به صلح به خصوص صلح با طالبان باشد، نیست. واقعیت این است که تا کنون این شورا کدام کار مؤثر و مهمی در جهت صلح انجام نداده است. اگر چنین بود پس چرا استاد ربانی ریاست این شورا را پذیرفت؟

سرخوردگی از سیاست های مخالفت با مجاهدین و نهضت اسلامی و دلسردی از شکل گیری اپوزیسیون سیاسی قدرتمند و پایدار:

انزوا و بی خبری در عقب دروازه های تصامیم و حوادث یکی از دلایلی بود که استاد ربانی انگیزهٔ پذیرش ریاست شورای عالی صلح را به آن مرتبط ساخت. او صلح را به عنوان حق مردم و نیاز کشور در افغانستان مطرح کرد و اظهار داشت که پیشگامی در این امر برای ما که زمانی در محور جهاد و مقاومت قرار داشتیم امر مقبول بود. علی رغم آنکه شورای صلح یک کار شکلی و نمایشی محسوب می شد اما برای ما این امر مهم بود که علاقه و دلبستگی خود را در افغانستان به صلح و ثبات کشور در معرض دید مردم قرار می دادیم.

صرف نظر از اینکه دیدگاه استاد و مخالفان او در پذیرش ریاست شورای عالی صلح از میان هواداران و همراهانش چگونه ارزیابی می شود و مطالب اصلی این امر در چه نکاتی نهفته است، عوامل دیگری نیز به عنوان انگیزه های پذیرش استاد ربانی در رهبری شورای صلح قابل بحث و بررسی است. عدم شکل گیری یک جبههٔ نیرومند مخالف سیاسی در برابر حکومت رئیس جمهور کرزی که چند بار به خصوص در اپریل ۲۰۰۷ (حمل ۱۳۸۶) با اعلان جبههٔ ملی عرض وجود کرد، استاد را به پذیرش ریاست شورای صلح برد.

سرخوردگی و ناامیدی استاد ربانی از سیاست تضعیف و حذف مجاهدین و جریان اسلامی از اقتدار سیاسی افغانستان انگیزهٔ دیگر وی در تلاش برای صلح بود. استاد برهان الدین ربانی استاد شرعیات به عنوان یکی از چهره های شاخص نهضت اسلامی در افغانستان و رهبر مهم ترین تنظیم اسلامی مجاهدین (جمعیت اسلامی) علی رغم سیاست های واقع گرایانه و اعتدالی اش در میان رهبران احزاب اسلامی که بنیادگرا خوانده می شوند از سرنوشت نهضت اسلامی و مجاهدین ناخشنود و نگران بود. او جنگ طالبان را از نام و عنوان اسلام و جریان اسلامی در افغانستان نه تنها مایهٔ بدنامی و تضعیف این جریان تلقی می کرد، بلکه معتقد بود که تداوم این جنگ و عملکرد طالبان راه را برای تسلط کامل مخالفان مجاهدین و نهضت اسلامی در افغانستان و حتا سایر کشور های اسلامی هموار می کند. برخی از آگاهان به این باور اند که شهید استاد ربانی با یک نگرش عاطفی و احساسی در صدد آن بود که طالبان و گلبدین حکمتیار را متوجه انحراف و خبط های شان بسازد و موجب تغیر موضع آنها از جنگ به صلح شود.

بدون تردید نگاه استاد ربانی به عنوان شخصیت متفکر و عالم دینی و رهبر جریان و نهضت اسلامی در افغانستان به این امر از منظر عاطفی و آرمانی قابل توجیه و قابل درک بود، اما در عرصه واقعیت های سیاسی و استخباراتی این نگرش اشکالاتی را در خود نهفته داشت که به آسانی ابعاد آرمانی و عاطفی مورد نظر استاد ربانی را بر آورده نمی ساخت. اگر این تحلیل و برداشت در مورد تلاش استاد ربانی در مصالحه با طالبان و حکمتیار که برخی به آن اذعان دارند درست باشد استاد با نیات اعتقادی و در یک فضای عاطفی و احساسی به آن می دید؛ در حالی که این جریان ها ابزاری در دست استخبارات پاکستان و در جهت منافع آنها بود. حتا از ظاهر عملکرد طالبان هم واضح بود که آنها رابطه و صداقتی با اسلام و شریعت اسلامی ندارند تا برای آن شمشیر بزنند. هر چند استاد ربانی در بحث های که با ایشان داشتم به چنین چیزی اشاره نکرد. و هرچند استاد در اظهارات روزهای اخیر حیات خویش طالبان را به شدت مورد انتقاد قرار داد و آنها را خطر و فاجعه ای برای اسلام و مسلمان ها خواند. این نشان می داد که وی به این امر نیز کاملاً ملتفت شده بود که طالبان با این اندیشه و عملکرد حاضر نیستند تا بر مبنای عواطف و احساسات دینی و نجات جریان اسلامی اندیشه و اعمال خود را تصحیح کنند.

اما وقتی از استاد که شورای صلح را بسیار مؤفق برای صلح تلقی نمی کرد پرسیدم که این کلید صلح در دستان کیست؟

کلید صلح در دست پاکستان:

در بحث بر سر کارآیی شورای صلح و سپس نقش پاکستان در جنگ و صلح افغانستان این پرسش را با استاد ربانی مطرح کردم که آیا شما دیروز در مذاکره با رهبران ملکی و نظامی پاکستان که در کابل بودند از آنها به صورت آشکار و بدون هیچ دیپلوماسی تقاضا کردید که از افغانستان چه می خواهند؟ در حالی که در افغانستان از رئیس جمهور تا هر کسی دیگر پاکستان را متهم به دخالت می کند و کم از کم حلقات نظامی و استخباراتی پاکستان را عامل ادامهٔ جنگ می دانند آیا شما دیروز و یا کدام زمان دیگر از پاکستانی ها خواسته اید که انگیزه و دلیل آنها در این دخالت چیست؟ استاد ربانی در پاسخ به این پرسش ها گفتند که نه تنها دیروز که چند بار دیگر هم با رهبران نظامی و استخباراتی پاکستان که گرداننده و تصمیم گیرنده در سیاست افغانی پاکستان هستند این موضوع را پرسیدم و با آنها در میان گذشتم. آنها با رئیس جمهور کرزی نیز در این مورد بار ها صحبت داشته اند.

رهبران نظامی و امنیتی پاکستان بسیار واضح گفتند که طالبان موضوع بسیار مهم و قابل تشویش در روابط پاکستان و افغانسان نیستند. مهار آنها نیز امر دشوار و پیچیده نیست. اما پاکستان با افغانستان مشکلات بسیار عظیم تر و اساسی تر دارد که به منافع و مصالح ملی کشور ما گره می خورد. پاکستان به صورت جدی می خواهد این مشکلات را با افغانستان حل کند. ادعای ارضی افغانستان در پوشش خط دیورند، روابط با هند که از آن در جهت خصومت پاکستان استفاده می شود و مسایل دیگری چون موضوع آب های افغانستان که به سوی پاکستان می آید، ایجاد دوستی پایدار و مطمئن میان طرفین، نقش پاکستان در بازسازی افغانستان، روابط اقتصادی و تجارتی با آسیای میانه و مسایل دیگر.

اهداف و مطالبات پاکستان از دخالت در افغانستان که نکات اصلی آن از سوی ژنرالان پاکستانی بازگو شده است امر بسیار پیچیده، نامکشوف و شگفت آور نبود. اما نکتهٔ تعجب بر انگیز حضور رهبران ملکی و نظامی پاکستان در کابل در حمایت از صلح و شورای عالی صلح و اظهارات صدراعظم پاکستان در مورد عضویتش به این شورا بود. در حالی که آنها بدور از انظار مطبوعات و در صحبت های خاص حرف و حدیث دیگر داشتند. در این مورد دیدگاه جناب استاد ربانی را جویا شدم که افغانستان چگونه می تواند با پاکستان مشکلات خود را حل کند و صلح را که در دست پاکستانی ها گروگان است نجات دهد و به افغانستان بر گرداند؟ آنچه که استاد ربانی در توضیحات خود ارائه داشتند به مذاکرات جدی با پاکستان بر می گشت. اما بنده به استاد پیشنهاد کردم که به عنوان رئیس شورای عالی صلح که با رئیس جمهور کرزی روابط نزدیک دارند جلسات متعددی را با نخبگان و رهبران افغانستان به خصوص با سیاستمداران و نخبگان پشتون کشور از کرزی تا انورالحق احدی، اشرف غنی احمد زی و تمام رهبران گروه های راست و چپ تشکیل دهند و سپس این بحث ها به جامعهٔ مدنی و نهادهای رسمی و انتخابی کشور کشانده شود. برای تدوین یک استراتیژی روشن و مشخص در حل این مسایل به خصوص در مورد منازعهٔ دیورند به توافق و اجماع ملی نیاز است. قبل از حل این مسایل با پاکستان به حل این مسایل در یک توافق و اجماع ملی با ایجاد استراتیژی روشن در داخل افغانستان ضرورت داریم.

شهید استاد ربانی به این پیشنهاد نه تنها موافقت نشان دادند بلکه از شروع این گفتمان عمومی با نخبگان و سیاستمداران فعلی پشتون کشور سخن گفتند. ایشان اظهار داشتند که از قبل با برخی از چهره های سیاسی در این موارد و مسایل عمومی کشور در همین جا (منزل استاد) بحث و مذاکراتی داشتیم. این بحث ها را ادامه خواهیم داد تا بتوانیم به توافقاتی دست یابیم که راه را به مؤثریت شورای عالی صلح نیز مساعد کند. اما تا دو سه ماه بعد حوادث سیر دیگر یافت و طالبان با افسران پاکستانی در شهر کویته برنامهٔ ترور و شهادت استاد ربانی را ریختند و عملی کردند.

ادامه در شمارهٔ اینده

تدویر کنفرانس علمی و تحقیقی در کابل تحت عنوان

"نقش شهید صلح اکادمیسین پروفیسور برهان الدین ربانی در بیداری اسلامی"

کنفرانس علمی و تحقیقی تحت عنوان "نقش شهید صلح اکادمیسین پروفیسور برهان الدین ربانی در بیداری اسلامی" با حضور تعداد زیادی از علما، دانشمندان، فرهنگیان، نویسندگان، اساتید دانشگاه ها، نمایندگان مجلس سنا و مهمانان داخلی و خارجی در کابل برگزار شد.

این کنفرانس که به تاریخ ۱۹ میزان از سوی اکادمی علوم افغانستان در هوتل ممتاز محل شهر کابل برگزار شده بود که در آن سفیر جمهوری اسلامی ایران در کابل، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و نمایندۀ خاص اتحادیۀ اروپا در افغانستان نیز اشتراک کرده بودند.

در آغاز این نشست، بعد از قرائت قرآن کریم و پخش سرود ملی، پیام حامدکرزی در بارۀ نقش برهان الدین ربانی در بیداری اسلامی توسط سرمحقق عبدالباری راشد، رئیس اکادمی علوم قرائت شد.

رئیس جمهور در پیام خود شهید استاد ربانی را یکی از شخصیت ها برجسته و کم نظیر در دوران معاصر دانسته و گفته است: استاد شهید زندگی خویش را وقف ایجاد صلح و امنیت در افغانستان نموده و چنان با شیفتگی و دلگرمی در این راه تلاش کرده که جان شیرین اش را فدای این آرزو و آرمانش کرده است.

همچنین در این پیام رئیس جمهور تاکید کرده است شهید استاد ربانی در پنج دهه زندگی اش برای آوردن صلح و ثبات در افغانستان تلاش کرده و با زحمات زیاد با خون خویش تاریخ این کشور را زرین کرده است. با این حال سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ، فداحسین مالکی سفیر جمهوری اسلامی ایران درکابل، دکتر عبدالبصیر سرور معاون وزارت صحت عامه، نماینده خاص اتحادیه اروپا، عبدالباری راشد رئیس اکادمی علوم، مولوی قیام الدین کشاف رئیس شورای سرتاسری علما، جهانشاهی رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، شفیق ثمین معاون وزارت معارف و خانم صدیقه بلخی عضو مجلس سنا از جمله سخنرانان این نشست علمی و تحقیقی بودند.

سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ، استاد شهید ربانی را در بیداری اسلامی، رهرو سید جمال الدین افغانی دانست و گفت: مقبره سید جمال الدین افغانی در دست ترمیم است و به زودترین وقت از سوی این نهاد افتتاح می شود.

آقای رهین تاکید کرد: استاد شهید برهان الدین ربانی شخصیت گرانقدر ملی و سیاسی افغانستان بود و در نقاط مختلف کشور به عنوان رهبر نیرومند جهادی، به منظور از بین بردن قوم گرایی، ملت گرایی و تبعیضات قومی و مذهبی فعالیت داشت.

وی خاطرنشان ساخت: سید جمال الدین عمر خویش را در راه مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی و بیداری مسلمانان گذاشت و آنچنان به این راه ادامه داد که به شهادت رسید.



فداحسین مالکی سفیر جمهوری اسلامی ایران در کابل، می گوید: تاریخ اسلام مملو و سرشار از ستاره گان پر فروغی بود که در این تاریخ روشن کننده راه آزادگان و آیندگان بوده و هست.

به گفتۀ وی، نقش استاد شهید برهان الدین ربانی در جهاد و مقاومت افغانستان، در محوریت و رهبری ملت، در زدودن ناملایمات تاریخی در نیم قرن اخیری که گذشت پنهان نیست و بزرگترین نکتۀ بارز استاد شهید، کلان نگر بودن وی بود.



آقای مالکی افزود: استاد شهید ربانی نگاه خودش را از مرز جغرافیایی بیرون نهاده بود و همین سبب شد تا امروز به عنوان یک شخصیت بزرگ از ایشان نام برده شود و به خاطر شخصیت بزرگ و فطرت انسانی آن شهید بزرگ است که حتی دشمنان ایشان قدرت به گردن گرفتن شهادت وی را ندارند.

سفیر جمهوری اسلامی ایران تاکید کرد: نقش استاد ربانی در کنار سایر علماء در راستای بیداری اسلامی خیلی مهم و ارزنده بود، ایشان نگران وضعیت انقلاب مصر بود که خدای ناکرده به انحراف کشانیده نشود.

به گفتۀ وی، استاد شهید در کنفرانس بیداری اسلامی در تهران در صدر مجلس قرار داشت و در این کنفرانس بزرگ جایگاه اصلی برای مردم افغانستان به اشتراک کنندگان جلسه تشریح کرد، بنا براین اکادمی علوم افغانستان وظیفه دارد که طی یک حرکتی جامع، اندیشه و جایگاه استاد ربانی را در سطح جهان مطرح کند.

وی افزود: دولت افغانستان انسان بزرگی را از دست داده و سال ها طول خواهد کشید تا شخصیت های دیگر جایگاه ایشان در این کشور پر نماید.

در ادامۀ این مراسم، معین وزارت صحت عامه، آقای عبدالبصیر سرور به نمایندگی از خانوادۀ استاد شهید ایراد سخن کرد و از ریاست اکادمی علوم شخص عبدالباری راشد به خاطر برگزاری این همایش سپاسگزاری نمود.

وی گفت: تحول در جامعۀ ما فراگیر است، هسته اصلی در بافت این تحول میل به راه آزادی بوده و مشکلات زندگی به معنای عام، ما را جسور، با ایمان پر حرارت و صمیمی به بار آورده که هیچ کدام از صفاتی که گفته شد با پدیده تسلیم شدن، همخوانی ندارد، به همین لحاظ هر حرکت آرام و عقلانی ما را ناخواسته به خشونت می کشد و نیت تحول، بحران و انقلاب را به وجود می آورد.

در ادامۀ این کنفرانس، پیام ویدیوی داکتر علی اکبر ولایتی دبیر مجمع کنفرانس بیداری اسلامی به مناسبت این کنفرانس و شخصیت استاد ربانی به نمایش گذاشته شد. در این پیام ویدیویی، آقای دکتر ولایتی شهادت استاد ربانی را به ملت و دولت افغانستان تسلیت گفت و عنوان کرد، استاد شهید به آرمانی که خواستگاهش بود، رسید.

وی گفت: خون شهیدان هرگز پایمال نشده بلکه این خونها سبب رشد درخت اسلام می شود و خون شهید استاد ربانی، مردم افغانستان را به اهدافشان که رهایی کشورشان از اشغال اجانب است، نزدیکتر می کند.

پس از پیام دکتر ولایتی، سفیر کبیر و نماینده ویژه اتحادیۀ اروپا آقای یوگاداس یوشیکا به ایراد سخن پرداخت و گفت: از آمدنم به این همایش بسیار خرسند هستم و در دوران یک سال و نیم که در افغانستان به عنوان نمایندۀ ۲۷ کشور اروپایی فعالیت داشتم جای افتخار می دانم که رابطۀ نزدیک با استاد شهید ربانی داشته ام.

وی افزود: استاد شهید ربانی یک مبارز راه آزادی در کشورش بود، آزادی افغانستان از اشغال اتحاد جماهیر شوروی سبب فرو پاشی آن کشور به شمول چند کشور دیگر گردید.

آقای یوشیکا افزود: استاد شهید ربانی، مبانی ابتدایی اسلام را به من آموزش داد و آموخت که پدیده ترور و عملیات غیر بشری انتحاری، با اسلام ارتباط نداشته بلکه، یک پدیدۀ خارج از اسلام است.

با این حال دکتر اسماعیلی پیام حضرت آیت الله تسخیری دبیرکل مجمع تقریب مذاهب را به خوانش گرفت.

در این پیام گفته شده که، استاد ربانی شهید نصف عمر گرانبهایش را در راه صلح و جهاد در افغانستان سپری کرد و در برابر متجاوزین و دشمنان تا دم مرگ رزمید.

در پیام تاکید شده است که مبارزۀ استاد ربانی شهید علیه متجاوزین و دشمنان، در هر جای و مجلسی که مطرح می شود، ایمان، تقوا، پرهیزگاری، وحدت ملی و برادری از دیگر خاصیت های مهم و ارزندۀ استاد شهید ربانی بوده است.

در ادامۀ این کنفرانس علمی و تحقیقی، آقای جهانشاهی رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کابل، پیام محمد باقر خرمشاد رئیس سازمان فرهنگ جمهوری اسلامی ایران را به خوانش گرفت.

همچنین در ادامه این کنفرانس شفیق ثمین معاون وزارت معارف، استاد عبدالباری راشد رئیس اکادمی علوم، مولوی قیام الدین کشاف رئیس شورای علماء و خانم صدیقه بلخی نمایندۀ مجلس سنا پیرامون شخصیت علمی، سیاسی و فرهنگی استاد ربانی شهید صحبت کردند.

آنان استاد شهید را شخصیت با تقوا، پرهیزگار، طرفدار عدالت، بردبار و صوفی خواندند و شهادت وی را توسط تروریستان کوردل محکوم نمودند.

با تشکر از سایت خبرگزاری صدای افغان

سیمای قذافی از زاویهٔ دیگر



ابوبکر سبزوار

رسانه ها تا کنون چهرهٔ منفی از معمر القذافی رهبر لیبیا به تصویر کشیده اند. دیکتاتوری که اگر ناتو مانعش نمی شد، برای سرکوب قیام علیه خودش از کشتن یک میلیون نفر از اتباع کشورش نیز ابائی نداشت. او مخالفین خود را گروهی معتاد می خواند و آنها را به موش تشبیه می کرد. او وعده داده بود که خاک لیبیا را وجب به وجب، خانه به خانه و کوچه به کوچه از وجود مخالفین خود پاکسازی نماید.

قذافی خود را مالک الرقاب مردم کشورش می دانست و به کسی حق نمی داد تا در برابر وی "چرا" بگوید. جالب است که در کشورما هم ضرب المثلی در زبان پشتو وجود دارد؛ "ولی، جنگ دی" "پرسیدن چرا به معنی اعلام جنگ است" و وقتی مردم لیبیا در برابر وی این سوال را مطرح کردند که "چرا" باید رهبر کشور، ارادهٔ خودش را ارادهٔ مردم بداند، جنگ آغاز شد.

دیکتاتور، مردم کشورش را فاقد درک درست از مصالح و منافع خودشان می داند و به همین دلیل به خود حق می دهد تا از جانب چنین گروهی خودش تصمیم بگیرد. در اینجاست که وی به مردم حق چرا گفتن را نمی دهد. قذافی بارزترین نمونه از اینگونه دیکتاتورها بود.

اما تجربهٔ دیکتاتوری قذافی و سرنوشت وی می تواند درس های بزرگی برای دیگران باشد. او به خود حق می داد تا کسانی را به زندان بکشد و حتی اعدام نماید که متهم بودند رهبر شان را به قدری که لازم است دوست ندارند. قذافی می پنداشت که مهیا کردن شرایط بهتر زندگی برای مردم کشورش می تواند برای وی یک امتیاز استثنائی باشد که مردم وی را به حد پرستش دوست داشته باشند.

آنهائی که گمان می کنند نیازهای انسانی را می توان فقط با بهتر ساختن شرایط زندگی مادی آنان برطرف کرد، با سرنگونی و کشته شدن قذافی به آن شکل فجیع، شاید مردم لیبیا را مردمی ناسپاس بدانند اما حقیقت اینست که نیازهای انسانی را نمی توان فقط در مسایل مادی خلاصه کرد. آزاد زیستن احساسی است که نمی توان آنرا با برطرف کردن نیازهای مادی از میان برد.

قذافی رهبر کشوری از نظر مساحت بزرگ و با نفوسی اندک و ثروتی سرشار بود. او تلاش کرد تا همه مردم کشورش مالک خانهٔ شخصی باشند و مشهور است که وی به پدر و مادر خود گفته بود تا زمانی که آخرین لیبیائی صاحب خانه نشده باشد، شما نباید در خانه زندگی کنید. والدین وی در خیمه جان سپردند و مالک خانهٔ شخصی نشدند.

وقتی یک زوج لیبیائی ازدواج می کردند، دولت پول خرید یک آپارتمان را به آنها می پرداخت که مبلغی معادل ۵۰ هزار دالر بود. هر مادر لیبیائی که طفلی به دنیا می آورد، معادل پنج هزار دالر دریافت می کرد. در لیبیا خدمات صحی کاملاً رایگان است و اگر یکی از اتباع کشور به مریضی ای مصاب می شد که در داخل کسور امکان تداوی اش میسر نمی بود، به مصرف دولت در خارج تداوی می شد.

در لیبیا تحصیل نیز از مرحلهٔ ابتدائی تا عالی مجانی است و جوانانی که خواهان تحصیل در خارج باشند به مصرف دولت در مؤسسات تحصیلات عالی خارجی تحصیل می کنند. قبل از به قدرت رسیدن قذافی فیصدی افراد با سواد در این کشور بسیار اندک بود اما اکنون ۸۳ درصد از مردم این کشور باسواد اند و ۲۵ درصد از مجموع نفوس لیبی دارای تحصیلات عالی دانشگاهی می باشند.

جالب است که اگر یک محصل در خارج دست به کاری می زد که مجبور بود تا جریمه بپردازد، این جریمه را هم دولت لیبیا می پرداخت. در بعضی از لیلیه ها در کشورهای خارجی، محصلین لیبیائی گاهی دست به کارهای عجیب می زدند که شباهت به کارهای خود قذافی داشت. به عنوان مثال انداختن تلویزیون یا یخچال از طبقهٔ بالای لیلیه به پائین. جبران خساراتی که از این طریق به بار می آمد توسط سفارت خانه های لیبی در آن کشورها پرداخت می شد بدون اینکه به محصلین در این باره هوشدار داده شود!

زمانی که یک محصل از تحصیل فارغ می شد، تا زمانی که کاری مطابق به رشتهٔ تحصیلش برایش تدارک نمی شد، دولت مجبور بود به وی در دوران بیکاری معادل درجهٔ تحصیلش معاش بپردازد.

در لیبیا مردم بابت مصرف برق پول نمی پرداختند. تیل موتر هم برای اتباع لیبیا رایگان بود اما در چند سال اخیر برای اینکه مردم به ارزش این مواد پی ببرند، قیمت اندکی برای تیل تعیین گردید اما این پول دوباره به حساب بانکی آنان جمع می شد. قیمت یک لیتر تیل برای اتباع لیبیا ۱۴ سنت (معادل ۱۴ افغانی) بود. این قیمت رابطه ای با قیمت نفت در بازار جهانی نداشت.

اقلیم لیبیا صحرائی است و بیشتر اراضی این کشور را صحرا تشکیل می دهد. قذافی از بدو به قدرت رسیدن به فکر تهیهٔ آب برای کشورش بود. به همین دلیل یکی از عظیم ترین طرح هائی که قذافی به راه انداخت، پروژهٔ آبرسانی تامین آب برای مناطق صحرائی این کشور است. بر اساس ارزیابی کارشناسان، این پروژه بزرگترین طرح مهندسی است که تاکنون در جهان عملی گردیده است. رسانه های غربی در مورد این پروژه سکوت کردند در حالی که در این پروژه ۲۵ میلیارد دالر به مصرف رسید که بزرگترین سرمایهٔ هزینه شده در یک پروژهٔ سازندگی در تاریخ بشر است.

این طرح عظیم از سال ۱۹۸۰ آغاز شد. آب جاری در رودخانه های مصنوعی، از چهار منبع عظیم آب زیرزمینی واقع در مناطق حمدا، کوفرا، مرزوق و سیرت که ذخیرهٔ آب آنها ۳۵ هزار کیلومترمکعب تخمین زده می شود، تأمین می گردد! این میزان آب می تواند تمام خاک کشوری مثل آلمان را به ارتفاع ۱۰۰ متر زیر آب ببرد و بر اساس آخرین مطالعات انجام شده، آب چاه های لیبی تقریبا تا ۵۰۰۰ سال کفایت می کند.

علاوه بر این، این پروژهٔ آبرسانی را به جای خود می توان «هشتمین معجزهٔ جهان» نامید، زیرا، اگر انتقال روزانه ۶ و نیم میلیون مترمکعب آب از کویر را هم به آن اضافه کنیم و در نظر بگیریم که به طور حیرت انگیزی، چه صحرای وسیعی را به اراضی زیر کشت جهان می افزاید. این پروژه در ریکاردهای گینس نیز ثبت شده است.

وقتی به این نکته توجه کنیم که کشورهای همسایهٔ لیبی همه به کمبود آب مواجه اند، لیبیا می توانست با استفاده از این منبع، در قارهٔ افریقا مبدل به کشوری گردد که دیگران به آن نیازمند اند. یکسال قبل قذافی در بارهٔ این پروژه گفته بود که، وقتی این پروژه تکمیل گردد، تهدیدات امریکا علیه لیبیا دوچندان خواهد شد.

قذافی می توانست سرنوشت بهتری داشته باشد اگر به خاطر چنین طرح های بزرگ دچار این اشتباه محاسبه نمی شد که نیازهای بشری را می توان محدود به مسایل مادی دانست. از قول قاتل قذافی نقل شده که گفته است، قذافی مردم را می کُشت و لیبیا را در جهان مسخره کرده بود. بنابراین شایستهٔ کشته شدن بود.

فکر و موقف استاد شهید

محمد نسیم فقیری

پیوسته به گذشته

دفاع از دیگران:

از عظمت و بزرگی رهبری استاد شهید دفاع از دیگران نیز بود. استاد به اندازه ای حوصلهٔ فراخ و تحمل زیاد داشتند که قبول و باور آن برای اکثر جوانان غیر قابل باور بود! اکثر جوانان در روز های نخست تصمیم گیری رهبری به ستوه می آمدند ولی با گذشت مدتی به مصلحت های تصمیم رهبری و دور اندیشی های وی باورمند می شدند و آن را مثبت ارزیابی می کردند...

در مورد حوصله و فراخوان استاد شهید و موقع دادن به تبارز شخصیت ها، صدها مثال می توان داد ولی در این سطور فقط به دو مورد اشاره می شود:

دفاع از حکمتیار:

در سال های جهاد و در جریان اختلافات و تصادمات میان جمعیت و حزب اسلامی در بعضی از مناطق، یکی از نشریه ها در یک کشور همسایه، در مورد آقای حکمتیار مطلبی نوشت و با شدید ترین الفاظ او را محکوم کرد... جمعیت در آن سال ها- مانند همیشه- به کشور همسایه روابط بسیار خوب هم داشت اما نوشتن روزنامه در مورد آقای حکمتیار و اینکه او بسر راه پیروزی جهاد است و یا افغان با احساس باید او را از سر راه بردارد و... استاد را به خشم آورد و قبل از واکنش آقای حکمتیار، با الفاظ شدید این نوشته را محکوم کرد و گفت: نشریهٔ خارجی نباید در مورد کشور ما و رهبران آن قضاوت کند و برای مردم ها تعیین تکلیف نماید...

دفاع از ولسمل:

چند سال قبل در جلسهٔ مطبوعات آزاد و اسلامی در شهر کابل، آقای ولسمل که خود سر محرر یک نشریه بود، ضمن یادآوری از زمان هجرت در پشاور گفت: روزی حکومت پاکستان، منزل مرا در پشاور محاصره کرد و من سخت دچار نگرانی بودم...

فکر کردم که باید به یکی از رهبران جهادی زنگ بزنم و از او کمک خواستم... طرف به من اظهار عاجزی کرد و گفت که به هیچ صورتی نمی تواند کمک نماید.... بعد استاد ربانی به فکرم آمد و اگر چه در یک خط فکری هم نبودیم و اصلاً چندان روابط خوبی هم نداشتیم، اما نظر به مجبوریت به او زنگ زدم و از محاصرهٔ خانه و هجوم پولیس مسلح و دست پاچگی خود صحبت کردم... استاد در جواب گفت: آرام و صبور باش! همین اکنون افراد را می فرستم تا شما را کمک کنند و همان بود که افراد مسلح استاد به منزل آمدند و با پولیس پاکستان مشاجره کردند و بعد از ساعتی، پولیس منزل مرا ترک گفت...

ما در آن روز ها اطلاعی نداشتیم و استاد شهید در این مورد به ما چیزی نگفته بود، شاید تعدادی از جوانان احساساتی مخالف می بودند که چرا استاد با فلان شخص مخالف خط فکری ما کمک کرد... این خاطره، به خوبی نشان می دهد که یک رهبر، یک بزرگمرد، چگونه همه مردم را در کنار می گیرد و از حیثیت و آبروی آنان دفاع می کند...

او رهبر جامعه و مردم است و همهٔ مردم چه موافق و چه مخالف را برادر می خواند و از عزت و آبروی آنان دفاع می کند...

رهبر مردم، کسی نیست که از هر منبر و هر میز خطابه و در هر مجلس سخنرانی، گاهی یخن یکی و زمانی پشت گردن دیگری را بگیرد و از هر خبر و راپور راست یا دروغ، علیه هرکس و بخصوص رهبران و شخصیت های سیاسی کشور دسیسه بسازد و یا دورغ ها را بزرگ جلوه دهد...

هیأت حزب اسلامی حکمتیار:

یکی دو سال قبل که هیأت آقای حکمتیار به کابل آمده بود تا با دولت مذاکره نماید، استاد در خارج بود و تیلفونی هدایت داد که در هفته نامهٔ مجاهد علیه هیأت و فعالیت های آن، چیزی ننویسند و اجازه دهند که هیأت با دولت مذاکره کند و آقای حکمتیار نیز در دولت شریک شود... استاد علاقمند بود تا مشکل آقای حکمتیار نیز حل شود و مانند ده ها و صدها شخصیت معروف حزب اسلامی به دولت بپیوندد و... امروز به سطح وزیران، افرادی از حزب اسلامی حضور دارند و تعدادی از والیان نیز سال ها در کنار حکمتیار بوده اند.. این وسعت نظر و فراخدلی استاد شهید به همه جمعیتی ها درس و هدایتی بود که همیشه حامی و جانبدار صلح و آشتی باشند و هرگز در راه کار و فعالیت گروه های دیگر کار شکنی ننمایند و بگذارند که دیگران نیز راه صلح و آشتی را در پیش گیرند....

این چند نمونهٔ مهم، فکر و موقف استاد شهید بود و ما امیدواریم، که فضل و رحمت خداوندی شامل حال او در دنیای دیگر گردد و این همه خوبی ها را در میزان اعمال او از خیر و سعادت به حساب آورد و آخرت او را به مراتب بهتر از دنیای او گرداند و او را در جوار انبیاء و شهدای برحق اسلام، جا و مکان دهد.

استاد ربانی بزرگترین پیشوای دینی و جهادی و یگانه رهبر ملی افغانستان در قلب های مومنان و مجاهدان، زندۀ جاوید است

آنچه می خوانید متن سخنرانی دکتور شمس الحق آریانفر اتشۀ فرهنگی افغانستان در تاجیکستان است، در محفل فاتحۀ استاد شهید که از جانب سفارت افغانستان در مسجد جامع مرکزی شهر دوشنبه (مسجد حاجی یعقوب) به تاریخ ۲ میزان تدویر یافته بود، ایراد نمود.



◇ افتتاح سخن آن به که کنند اهل کمال
به ثنای ملک الملک خدای متعال

مقدم و حضور همه دوستان، افغان های مهاجر در تاجیکستان، دانشمندان و فرهنگیان تاجیک و نمایندگان نمایندگی های خارجی را در محفل امروز که جهت اتحاف درود و دعا به روان رهبر خردمند و استثنایی جهان اسلام و زعیم جهاد و مقاومت افغانستان تدویر یافته است، گرامی می داریم.

دشمنان از شادی ما ناخوش اند
ما نمی میریم ما را می کشند

به شهادت آفریدگار قادر و متعال، شهدا زندگان جاوید اند. ما که مسلمان هستیم و همه کردار و رفتارمان برای خدا و در جهت رضایت اوست، باور داریم که مقام رفیع شهادت را خداوند به بندگان عزیز خود نصیب می کند. از نگاه اجتماعی نیز شهدا، مردان آزاده و برتری اند که مستکبران و جهان خواران چون از برده سازی ایشان عاجز اند، ناجوانمردانه به نابودی و شهادت ایشان با ترفندهای مختلف اقدام می نمایند.

درمسلخ عشق جز نیکو را نکشند
لاغرصفتان زشت خو را نکشند
گر عاشق صادقی زکشتن مهراس
مردار بود هر آنچه او را نکشند

این قول آفریدگار است که می فرماید: عزت و ذلت از جانب پرودگار است. استاد پروفیسور برهان الدین ربانی از آن چهره های استثنایی جهان اسلام و جامعه بشریست که خداوند متعال عزت بخشیده بود. توجه نمایید:

- جوانی از روستا های کشور آمد و با الطاف خدایی بلندترین مدارج علمی و بویژه علوم اسلامی را از آن خویش کرد.
- با عنایت پروردگار بر کرسی استادی علوم دینی تکیه زد.
- خداوند نیرو و توان بخشید در راس بزرگترین سازمان اسلامی کشور برگزیده شد.
- دشمنان، آواره و خوارش کردند اما خدا عزت داد و شخصیت جهانی شد.
- با لطف پروردگار ۲۰ سال در سنگر جهاد و مقاومت قرار گرفت و به پیروی رسول اکرم (ص) تبلیغ و جهاد و سنگر و منبر را با هم گره زد.
- زوال ابر قدرت بزرگ شوروی را که در شش یک کره ی زمین فرمانروایی می کرد، نوید داد و با الطاف الهی تحقق بخشید
- در برابر توطئۀ جهانی قرار گرفت. هرچه نیروی مزدور بود، علیه اش تجهیز کردند، خداوند حفظش کرد.
- استخبارات جهان و منطقه و همه کشور های به ظاهر دموکرات که از اسلام واهمه دارند و به خصوص اسلام سیاسی در پلورالیزم شان نمی گنجد، دست به کار شدند و طالبان نا آگاه از اسلام را به عنوان پیش مرگ در برابرش قرار دادند، موفق نشدند. جهان در برابرش ناتوان شد. شکوه و عظمتی که فقط هدیه ی خدایی بود و بس.
- جهان برای کنار زدنش همدست شد. اجلاس بن ساخته شد و در غیابش قدرت قانونی اش را تقسیم کردند. دیگر حساب این بود که مرد روزگار، پایان عمر سیاسی خود را تجربه می کند. اما بازهم نصرت خدا یارش شد و تا زمان گذشت با حضور جهانیان، عظمت اش نمایان تر شد. تاجایی که همه جا زمزمه بود یگانه رهبر محوری در شرایط امروز استاد ربانی است.
- تا دنیا خوردش کرد، خدا بزرگش نمود. تا جایی که امروز جهان ناگزیر است به عنوان شخصیت بزرگ جهان اسلام، زعیم ملت افغانستان، رهبر جهاد و مقاومت، و اسلام شناس خبیر و مرد بزرگ تجربه و خرد، اعتراف نماید و پذیرا گردد.

اما استاد ربانی کیست؟

استاد برهان الدین ربانی دو زندگی نامه دارد:

۱- جوانی در کوهپایه های هندوکش در بدخشان زاده می شود. راهی مدرسه دینی ابو حنیفه می گردد. در سال ۱۳۳۹ با ختم مدرسه به دانشکده شرعیات داخل می گردد. در سال ۱۳۴۲ دانشکده شرعیات را تمام می کند. در سال ۱۳۴۵ به بزرگترین دانشگاه جهان اسلام، الازهر شامل می گردد که در ۱۳۴۷ با ختم دوره ماستری و ثبت دورۀ دکتری به کشور بر می گردد.

در دانشکده شرعیات به تدریس ادامه می دهد. تحقیق می کند، کتاب می نویسد و برای ارشاد مردم به نگارش مقالات دست می یازد. در این عرصه کتاب های: جنبه های علمی و فلسفی زندگی عبدالرحمن جامی، تیوری سیاسی اسلام، تشریح عقاید معتزله، ترجمه جلد نخست تفسیر فی ظلال، اسلام و کمونیزم، چه نوع مبارزه، نشانه های راه و.... نوشته و چاپ می شود. به نهضت اسلامی می پیوندد، مهاجر و آواره می گردد، جهاد می کند، پیروز می شود ، رئیس جمهور افغانستان می گردد و حدود ۱۰ سال افغانستان را در بحرانی ترین شرایط رهبری می کند. در سال ۱۳۸۰ کشور های جهان به افغانستان سرازیر می شوند و قدرت سیاسی از او گرفته می شود.

۲- اما زیست نامه دوم استاد به گونه ی دیگر است:

- تبلیغ نظری و عملی اسلام سیاسی را آغاز می نماید. انچه را سید جمال الدین و سید قطب و دیگران گفته بودند، غنا می بخشد و در راستای تحقق عملی آن، داخل جهاد و مبارزه می گردد. به این اساس استاد یگانه رهبر اسلامی است که نظریه پرداز اسلام سیاسی و مبارز عملی این جاده می باشد.
- مطابق سنت پیامبر زندگی و عمل می کند: هم تبلیغ و هم جهاد و مبارزه می نماید.
- نهضت اسلامی و حرکت بیدار ی اسلامی را در اوج بالندگی اندیشه سوسیالستی و دیدگاه های مارکسیستی و شکوفایی جامعه سرمایه داری در جهت رفاه و توسعه، رهبری و به پیروزی می رساند.
- بستری سیاسیی را در کشور ایجاد می کند که هزاران مرد خرد و سیاست در آن بارور می شوند.
- روحیۀ بیداری و اگاهی را در شریان کشور جاری می کند.
- غفلت زدگان تاریخ را از خواب بیدار می کند.
- در برابر شرق و غرب خط سوم را در عمل و نظر ایجاد می کند.
- **شخصیتی می گردد که حتی دشمنی با او شماری را به نوا و مقام می رساند. از سوی اغیار صاحب آب و دانه می شوند و نان می خورند و امروز در نبود او دلتنگ از این هستند که دیگر، خریداری ندارند.**
- مبتکر و راهگشاه بود. در سخت ترین شرایط بن بست را می شکست.
- در تمام تاریخ افغانستان یگانه رهبر خردمند و فیلسوف و عالم دین و دنیا بود.
- **شخصیتی بود که جهان به عنوان یک سیاستمدار با تجربه اعتراف دارد.**
- **اندیشمندی بود که جهان اسلام و نهضت های اسلامی، همتایش را ندارد.**
- **<u>شخصیت استثنایی شد که نیم قرن دانشگاه اسلامی و سیاسی گرفت،</u>** نیم قرن در راه اسلام مبارزه عملی و جهاد کرد و نیم قرن تجربه سیاسی و اجتماعی داشت که در لحظۀ کنونی بدون شک جهان شخصیتی با این همه مزایا ندارد. **<u>استاد بدون شبهه استثنائی و بی بدیل بود.</u>**

دریغ و درد است که ما خود کشان بیگانه پرست، همیشه در دام توطئۀ دشمن، تیشه بر ریشه ی خود می زنیم. حیفا و دریغا که این روند هنوز ادامه دارد و ما بیخبرانیم و غفلت زدگان ناآگاه.

کشتن مسلمان توسط مسلمان، توطئۀ بزرگ سلطه گران جهان معاصر است، که مسلمانان غافل و ناآگاه در دام آن افتاده اند. ثمر همه این برنامه ها را دشمنان اسلام می چینند و برای مجریان، به عنوان پیش مرگان لشکر کفر و جاده صاف ساز استعمار، جز خسران دنیا و آخرت، سودی نخواهد داشت.

◇

زمستان در راه ...

زمستان در حال فرارسیدن است؛ اما کمیتۀ اضطرار شورای وزیران از ذخیرۀ گندم و مواد غذایی در زمستان خبر می دهد و از کشورهای جهان می خواهد تا به افغانستان کمک های عاجل و سخاوتمندانه یی خود را بفرستند. اینها جز یک شعار چیز دیگری در پی نخواهد داشت؛ زیرا دولت به مثابۀ مسوول جان، مال و عزت مردم افغانستان، باید در همه وقت سال یک چنین برنامه وسیع و استراتیژیک را در خود داشته باشد. امروز بسیاری از باغ داران و دهقانان کشور از نبود سرد خانه ها در مناطق شان رنج می برند. مردم بامیان بارها از دولت تقاضا کرده اند تا ذخیره های امن بخاطر حفظ نمودن مازاد کچالوی آنها در این ولایت ایجاد گردد، تا از فاسد شدن این مواد حیاتی جلوگیری به عمل آید. روی نبود یک چنین ذخیره گاه های مطمین دهقانان این ولایت کچالوی مازاد خود را به قیمت ارزان به کشور همسایه به فروش می رسانند و در موقع ضرورت این کشور مواد مازاد خود را به قیمت خیلی بالا دوباره به افغانستان می فرستد.

عین مشکل در ولایات شمالی، جنوب و شرق کشور وجود دارد که مردم از نبود یک چنین ذخیره گاه های مطمین مواد غذایی، سبزیجات، میوه جات و غیره رنج می برند. از سوی دیگر نا مطمین بودن شاهراه های تجارتی بین کشور های همسایه افغانستان یکی از موارد حاد این کشور است. این دو مملکت بطور مقطعی حلقوم افغانستان را در مواقع نیاز شدید به بهانه های مختلف می فشارند، تا ثبات سیاسی در افغانستان حالت نوسان خود را نداشته باشد. این کشورها روزی صدور مواد نفتی و روز دیگر صدور برخی از کالا های مورد نیاز را در سرحدات و ذخایر استراتیژیکی خویش مسدود می سازند؛ طوری که هزارها تن مواد مورد ضرورت مردم در کانتینرها و محموله های بسته شده در راه رسیدن به افغانستان فاسد گردیده است. گذشته از بلند رفتن قیمت گاز، چوب، مواد غذایی و غیره، بیم آن وجود دارد که در زمستان آینده پاره یی از مواد و کالا های مورد نیاز مردم افغانستان از سوی این کشور ها به موانع روبرو گردد و یا در صدور آنها بندش به وجود آید.

اینها و ده ها موارد دیگر می تواند زمستان آینده را برای مردم افغانستان؛ به ویژه برای کسانی که به چنین کالا ها نیاز شدید دارند به مشکل مواجه سازد. فقر شدید اکثریت مردم افغانستان، کمبود در آمد خانواده ها، کمیت بزرگ مهاجران داخلی، موجودیت خیمه های رهایشی، فاقد بهداشتی، بیجایی بسیاری از هموطنان ما نسبت خشکسالی و کمبود علوفه و مواد غذایی از موارد بسیار مهم و اساس زندگی در زمستان آینده خواهد بود که دولت در جهت رفع این موانع کدام برنامه یی دقیق و همه جانبه را روی دست ندارد و هر از گاهی چیزی به نام کمیتۀ اضطرار تشکیل جلسه می دهد و با یک خبر به پایان می رسد. در حالی که یک چنین دشواری ها و مشکلات از توان کمیته اضطرار بیرون می باشد.

جای دارد که این گونه فعالیت ها در جهت زدودن آلام مردم از فعالیت همیشگی دولت بوده باشد و در صدر اولویت های کاری آن قرار گیرد. یک چنین فعالیت ها باید در مشارکت با جامعه جهانی، کمیته های خیر رسان بین المللی، تجار ملی و عامه مردم صورت گیرد و کمک به مردم افغانستان به یک حرکت سراسری در کشور تبدیل گردد، در غیر آن یک و یا چند کمیته قادر نیست تا به این همه دشواری های زیست محیطی رسیده نمایند و حیات میلیون ها انسان واجد کمک را در چتر حمایتی خود قرار دهد. همه ساله دولت در پایان سال و آغاز زمستان به چنین فعالیت های تشریفاتی دست می یازد که نتایج محسوسی در آن دیده نمی شود؛ در حالیکه این کار از خود تداوم، پشت کار، دلسوزی و همکاری ملی و بین المللی را تقاضا می نماید. هر قدر صفوف دولت در یک چنین برنامه یی ملی فشرده تر عمل نماید، به همان تناسب می تواند از رنج، علم و دشواری های میلیون ها انسان واجد کمک و همکاری بکاهد. ما در سطح دولت به چنین میکانیزم و راهکار های عملی نیاز داریم، در غیر آن به میزان این گونه تراژیدی در کشور افزوده خواهد شد.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ بیست و ششم ۱۱ عقرب ۱۳۹۰ ٦ ذوالحجه ١٤٣٢ - 2 Nov 2011

چرخش های سیاسی رئیس جمهور!

مصباح شعیب

آقای رئیس جمهور کرزی سال هاست که بار ملامتی وارده از ناامنی در کشور را به به دوش کشور همسایهٔ شرقی می اندازد اما به زودی اظهاراتش را توجیه و صرفنظر می نماید. باری طبل جنگ شاعرانه می نوازد و گاهی هم دوست و برادر و دارای منافع مشترک می خواند. چنانچه با شهادت شهید صلح، رهبر بزرگ استاد ربانی، راه صلح و گفتگو را فقط با جانب پاکستان وانمود کرده، طالبان را اجیر شدهٔ آن کشور دانست که آدرسی به قول ایشان ندارند و آدرس فقط پاکستان را وانمود کرد. اما هفته ای نگذشت که با مصاحبه با تلویزیون خصوصی جیو، پاکستان را برادر خطاب کرد و حمایت کشور و مردمش را در صورتی که آن کشور مورد تجاوز قرار گیرد، اعلام کرد.

این موضعگیری رئیس جمهور احساسات نمایندگان مردم و شخصیت های چیزفهم کشور را برانگیخت. مجلس نمایندگان نیز انگشت انتقاد بالای بی برنامگی حکومت داشت و سیاست های ضد و نقیض را در برابر قضایای مهم کشوری، به نفع دولت و مردم افغانستان ندانست.

واضح است که راستای کاری و موضعگیری و استراتژی یک کشور مطابق قانون مدون کشورش روشن و جهت تحقق آن گام عملی بردارد و تعریف مشخص از دوست و دشمن را به شهروندانش واضح سازد تا در ذهنیت ها روشن و در برابر کنش ها، از انگیزه ای برخوردار باشند. مطابق نبض زمان، روزی تمام بار ملامتی را بالای کشوری انداختن و باری او را برادر خطاب کردن و با همه ناتوانی مدافع او شدن، کاری را علاوه بر این که پیش نمی برد بلکه، بر شانه های شهروندان این کشور گرانی می کند و صدمهٔ کلان چنین موضعگیری های موسمی را مردم افغانستان متقبل می شوند و بی باوری که از این ناحیه متوجه مردم می شود و خط فاصلی که میان مردم و زمامداران ایجاد می شود، آب ریختن به آسیاب دشمن است.

از چند ماه بدینسو بیشتر از هزار راکت که گفته می شود از آن طرف مرزهای کشور در ولایات جنوب شرقی به خصوص در ولایت کنرها و نورستان پرتاب شده، ده ها زن و مرد و اطفال آندیار کشته و زخمی و تعدادی آواره گردید و خسارات مالی را نیز متقبل شدند و رعب و وحشت این راکت پراگنی اثرات سوء بالای مردم ما وارد و انعکاس قابل ملاحظه یی در رسانه های داخلی و خارجی نیز داشته است. این راکت پراگنی که به کشور همسایهٔ جنوبی (پاکستان) نسبت داده شده، از سوی شورای ملی، نهادهای امنیتی و دفاعی، مقامات محلی ولایات جنوبی و شهروندان کشور محکوم گردید. وزارت خارجهٔ کشور در اعتراض حملات راکتی به قلمرو کشور، سفیر پاکستان در کابل را فراخوانده و اعتراض شان را اعلام داشتند. به وزیر دفاع وظیفه سپرده شد تا در رأس هیأتی به پاکستان سفر نماید و با کشور پاکستان در زمینه صحبت نماید. وزارت دفاع نیز در جریان راکت پراگنی ها از حملهٔ بالمثل به کشور همسایه هشدار داد. باری هم رئیس جمهور کشور با رئیس جمهور پاکستان نگرانی اش را روی این موضوع و تحقیق در زمینه ابراز نمود. اما چندی بعد، آقای کرزی بار ملامتی را بالای رسانه ها گذاشته گفت که، گزارش هایی که در رسانه ها در مورد حملات راکتی به خاک افغانستان منتشر شده، بعد از بررسی ها نادرست ثابت گردیده است. به گفتهٔ آقای کرزی، براساس گزارش های نادرست و تائید ناشده، رابطه با همسایه های خود را نمی خواهد خدشه دار کند. رسانه ها با وظیفه و مسوولیتی که در قبال نشر و رسانیدن قضایای مهم کشوری دارند، گزارش می دهند آنهم از قول شاهدان، مقامات محلی ملکی و امنیتی دولت که همه شاهد ایم. رسانه ها نمی توانند در برابر چنین قضایای مهم به نشر رویدادها دست نیازند و منتظر داوری داوران بنشینند که بعد از شش ماه قضاوتگران در کرسی قضاوت نشینند و آنگاه نتایج را بدون اینکه مردم از جریان حوادث باخبر باشند به نشر رسانند.

با تأیید گفته های رئیس جمهور، هیچ شهروند این کشور نمی خواهد روابط با همسایگان تیره گردد خصوصاً در وضعیت بد امنیتی و اقتصادی که مردم افغانستان با آن دست و گریبان اند، عقل سلیمی اجازه نمی دهد با درگیری با همسایه ها وضعیت بیشتر از پیش وخیم شود. اما مردم افغانستان این حق را دارند تا از دولت این پرسش را جرأتمندانه پاسخ بگیرند که، هرگاه پرتاب راکت ها در قلمرو کشورما از سوی کشور همسایه رد می گردد و نادرست ثابت می شود، با وجود حضور حدود چهل کشور با دستگاه های ردیابی و تکنالوژی پیشرفتهٔ عصر، در ظرف چند ماه این هم روشن نشده است که سرانجام این راکت ها از کدام سرزمین، توسط کی و به چه منظور پرتاب شده است و مسوولیت این همه رعب و تشویش و بی خانمانی شهروندان و کشته و مجروح شدن هموطنان ما را کی به دوش می گیرد؟ در حالی که مطابق مادهٔ پنجم قانون اساسی، ... دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و تامین امنیت و قابلیت دفاعی کشور از وظایف اساسی دولت می باشد.

بر دولت است تا با مسوولیتی که مطابق قانون در قبال امنیت شهروندان و حفظ تمامیت ارضی کشور دارد، همانند دیگر امور، بی تفاوتی را پیشه نکند که بدون شک عواقب ناگواری را درپی خواهد داشت.

زمستان در راه است!

عبدالعلی کوهی /استاد دانشگاه کابل

آمد آمد زمستان خانواده های زیادی را در کشور به یاد روزهای سرما و یخبندان فراخوانده است. یکی از نتایج شوم نا امنی، فقر مردم، بیکاری، بلند رفتن قیمت ها و مسدود شدن راه های مواصلاتی و شاهرگ های اقتصادی در کشور است که میلیون ها انسان از آن رنج می برند. امسال زمستان قرار معلوم بر خلاف معمول (زودتر از سال های دیگر) در حال فرارسیدن به این سر زمین است، سر زمینی که در بسا زمینه ها در رنج و نگرانی اند. درآمد نا چیز خانواده ها و زمستان شدید و لگام گسیخته، جان بسیاری از هموطنان ما را تهدید می نماید. افغانستان در زمستان آینده به چند مشکل مواجه می باشد: از جمله در برخی از مناطق و ولایات؛ به ویژه شمال کشور تاثیرات خشکسالی فراوان دیده می شود؛ طوری که بسیاری از دام داران مواشی خود را نسبت نبود علوفه و چراگاه به فروش رسانیده اند و خود را به جا های نزدیک به آب و آبادانی رسانیده اند. بدون شک زمستان دشوار و استخوان سوز رنج و تکلیف آنها را مضاعف خواهد ساخت، از سوی دیگر تعدادی از هموطنان از مناطق جنوب کشور در شهرهای بزرگ؛ به ویژه هرات، کابل و سایر ولایات و مناطق امن کوچ نموده اند، تا از شر جنگ، ترور و بد امنی در امان باشند. این تعداد از هموطنان ما بدون شک در یک سر درگمی و نگرانی شدید به سر می برند و زمستان سرد و بدون انتظار برای آنها و خانواده های شان خوشآیند نخواهد بود. زندگی در زیر خیمه های نمناک و دور از شرایط بهداشتی وجدان انسان ها را نا راحت خواهد ساخت، چیزی که همه روزه در انظار هزاران انسان ظاهر می شوند و موجودیت این خیمه ها بر تراژیدی افغانستان افزوده است و سرنوشت جنگ، نا امنی و ترور را برای مردم افغانستان به نمایش می گذارد و نفرین جنگ را در اذهان مردم تداعی می نماید.

این اشخاص و افرادی که در زیر خیمه ها و اماکن مخروبهٔ دولتی و غیر دولتی زندگی می نمایند، فقط به کمک نهادهای مدد رسان زندگی خود را به پیش می برند و بدون کمک آنها، قادر نیستند به حیات خویش ادامه دهند. تعداد مهاجران داخلی که نظر به عوامل گوناگون خانه و کاشانه های گرم خود را ترک نموده اند، از مرز میلیون ها انسان تجاوز می کند، تداوم جنگ و نا امنی بر تداوم این تراژیدی انسانی افزوده است. باید گفت که دولت در زمینه خدمات اجتماعی، ذخایر استراتیژیک مواد غذایی، مصؤن داشتن شاهراه های بزرگ تدارکاتی، امنیت شاهراه های کوچک میان ولایات و ولسوالی ها و قریه های دور دست، پیروزی چندانی نداشته است.

ص۷

د قربانۍ اختر

ن - شفیق

د اسلام په مقدس دین کې دواړه اخترونه هغه د خوښو ورځې دي چې مسلمانان یې د ځانګړو احکامو د سرته رسوله وروسته لمانځي، که کوچنی نیکمرغه اختر د اسلام د یو بنیادي رکن (روژې) له نیولو وروسته د الله جل جلاله د شکر پر ځای کولو په توګه لمانځل کیږي چې مسلمانان پکې د رمضان د مبارکې میاشتې له روژې وروسته د خپلو خوښو څرګندونه کوي او هم پکې د فطر صدقه (سرسایه) ورکول کیږي نو نېکمرغه لوی اختر د اسلام د یو بل بنیادي رکن (حج) د فریضې د تر سره کولو وروسته راځي او هغه تاریخي یادونه د مسلمانانو په ذهنونو کې تازه کوي چې د انبیاو د پلار حضرت ابراهیم علیه السلام د کعبې د دیوالونه په اوچتولو سره د مسلمانانو لپاره پرېښې دي، ترڅو د دنیا له ګوټ ګوټ څخه مسلمانان د الله جل جلاله د کور زیارت ته ولاړشي او د خپل نیکه هغه سختې او عبادتي هڅې له نږدې څخه وګوري چې د حج د مقدسې فریضې ګڼ مناسک یې یادونه کوي، که هغه د الله جل جلاله د کور ښکلي نظاره او ورځخه طواف دی او که د ابراهیم علیه السلام د قدمونو ځای دی، د صفا او مروه د دوه وو کوچنیو تپو تر منځه د اوه ځلو تګ او منډو مناسک دي او که د اسماعیل علیه السلام د قربانۍ د یاد تازه کوونکو قربانیو قرباني ځای دی چې د بشریت په تاریخ کې له ټولو لویه قرباني ګڼل کیږي او له همدې امله نیکمرغه لوی اختر ته د قربانۍ اختر وایي.

همدارنګه د اختر په ورځوکې باید د اختر خوښۍ دبې وزلو او ناتوانو وګړو او کورنیو سره شریکې کړای شي او دا چې د لوی اختر په ورځو کې مسلمانان د الله جل جلاله میلمانه اوسي نو دغریبو او ناتوانو وګړو دسترخوانونه هم باید د ټولنې د توانمندو او مالدارو وګړو په مرسته رنګین وګرځي او هغوی د کورنیو او اولادونو سره په خوښیو شریکولو سره باید د الله جل جلاله لوري دغه د میلمستیا ورځې نورې هم رنګینې کړي او د ایثار، همدردۍ او مرستې بنیادي ارزښتونه باید د مسلمانانو سره د نورو ورځو په پرتله د اخترونو په ورځوکې لا ډیر ژوندي او تحقق موندونکي وګرځي.

او هم باید د خوښۍ او عبادت دغه ورځې باید د مسلمانانو لخوا د ناروا کړنو او بې ځایه لګښتونو څخه خالي اوسي او هر مسلمان باید کوښښ وکړي چې له هغو ناروا لګښتونو څخه ځان وساتي چې اسلام یې اجازه نه ورکوي.